

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

شنبه ۱۹ اکتوبر ۲۰۲۴

انارگل خوستی

تراژیدی چهل و شش سال اخیر افغانستان

با درد و دریغ که بدبختی های جبران ناپذیر ناشی از کودتای منحوس و بدفرجام هفتم ثور ۱۳۵۷ که با خشونت و وحشت بی سابقه همراه بود، را پایانی نیست و هنوز که هنوز است دامن مردم و میهن را رها نمی کند.

در این اواخر در وبسایت استقلال - خیلواکی با مطالعه یک سلسله مضامین مستند تحت عنوان "تاریخ حافظه قوی دارد" و همچنان مضمون امروز از یک هموطنی بنام تمنا تابنده تحت عنوان ذیل: "رنج نامه یک مهاجر افغان از دوران تلخ مهاجرت، از سفید سنگ" خواب را از چشمان هر شخص با احساس می رباید.

گرچه از مدت ها یعنی از چهل و چند سال ست که شب ها و روز های ما با اخبار وحشت و دهشت همراه می باشد و همه هموطنان با احساس جنایاتی را که با کودتای بدفرجام حزب نادموکراتیک خلق و پرچم آغاز شد، از یاد نبرده اند. لاکن و اما نباید منکر مقاومت فرزندان و همه ملت افغان، همان هائی که گول اجانب و خائنین را نخوردند و وطن را از از شر حزبی گگ های مرتد و باداران روسی شان با دادن خون های پاک شان نجات دادند، باشیم.

اما افسوس و هزاران افسوس که یک تعداد دیگر وطن فروشان که معاملات با ممالک اجنی منجمله شوروی ها داشتند، جهاد و مقاومت را به بیراهه کشیدند و از افغانستان میدان بزکشی ساختند که لعنت خدا بر همه شان.

ممالک غربی به سرکردگی امریکا به تصمیم و تحت حمایت سازمان ملل متحد برای آوردن صلح و آبادانی افغانستان وارد کشور ما شدند. اما این ها بار دیگر سرنوشت وطن ما را به دست جانی ها و قاتل های ملت افغان دادند که همانا اعضای حزب نادموکراتیک و جنگ سالارانیکه بالای خون

ملت افغان تجارت می نمودند، سپردند، در حالیکه باید همه این جنایتکاران در میز محاکمه کشانیده می شدند تا جوابگوی خون های ریخته شده و جنایات بی حد و حصر شان می بودند.

اما به عوض گرفتن انتقام خون های ریخته شده، تمام خائنین همه چوکی های دولتی را اشغال و این مرتبه جنایت و خیانت به چهره دیگری و تحت نام دیموکراسی صادر شده غرب، حکم فرما شد تا توانستند خیانت و جنایت نمودند. (نا گفته نماند که یک عده محدودی که مربوط به جناح های سر اقتدار بودند، صاحب مقام و ثروت شدند، به همین دلیل است که بعضاً از این گوشه و یا آن گوشه و آن هم بسیار فرمایشی از طرف به اصطلاح سازمان های بشری و تحت حمایت شان صدا بلند می کنند که ننگ و نفرین بر آنان باد).

تعدادی دیگری نیز وجود دارد که نان شان را به نرخ روز می خورند و این طبقه به مه چه گویان از هیچ چیز ننگ و عار ندارند، با دزد دهن جوال را گرفته اند مضامین تبلیغاتی شان را بدون هیچ شرمی چاپ می کنند و عده دیگری از بی خاصیتان از مضامین شان توصیف و تمجید می نمایند گویی که آب از آب تکان نخورده است، شرم و ننگ شان باد. وجدان شان کجاست؟ آیا بکلی وجدان شان مرده است؟ در غیر آن چه مجبوریت دارند که با وطن فروشان اظهار صمیمیت و خوش و بش می کنند. انسان به حیرت می افتد که یا از آن مردمان غیور و با شهامت که وطن را از چنگال خرس قطبی شمال و نوکران خائن شان به قیمت جان خود، جان فرزندان خود و مال و منال خود نجات دادند و یا این بی غیرتان که همراه تفاله های همان حزب جنایتکار دهن جوال را گرفته اند و از همه بدتر که تعدادی از آنها وبسایت ساخته اند و دل شان خوش است که تعداد مضامین من زیاد است اما غافل از این است که خیانت بزرگی در حق کشور و شهدای راه آزادی می نمایند. که نفرین بر همه شان باد.

از طرف دیگر داد و فریاد از کسانی که همراه با باداران خارجی شان که بیشتر از چهل کشور را در بر می گرفت، بلند است، چون زد و بند های مافیایی شان از دست شان رفته است، داد می زنند که ای وای طالبان ظالم آمدند و وطن را به قهقرا بردند.

هیچ کس از این باند جنایتکار و باداران خارجی شان پرسان نمی کند که شما با پول و اسلحه و اردوی پیشرفته بیست سال اسپ های مست تان را دواندید. به ملت فکر نکردید جنایت و جرایم اخلاقی بیداد می کرد به اصطلاح صدای خر به خاوند نمی رسید، مردم برای بقای حیات شان به طالبان رجوع نمودند، و آن ها به زور قوت شان که قوت شان همانا کمک و همکاری مردم بود، قدرت را به دست گرفتند و وطن را از بسیاری مصیبت ها نجات دادند.

من طالب نیستم و هم از یک تعداد اقدامات شان ناراضی. که یکی آن ممانعت از تحصیل برای طبقه اناث می باشد که به امید خدا اگر این خواست اکثریت آراء مردم هم جامه عمل بپوشد، و از خشونت در برابر خواهران و مادران ما دست بردارند، انشا الله و رحمن که افغانستان راه ترقی و تعالی را خواهد پیمود. به امید آرزوی خجسته و ارمان و آرزوی همه ملت غیور و باشرف افغان.